

روش تفسیری قرشی در احسن الحديث - مجتبی محمدی انویق،

مرتضی قاسمی حامد

علمی - پژوهشی

فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه

سال هجدهم، شماره ۷۲ «ویژه پژوهش‌های قرآنی»، پاییز ۱۴۰۰، ص ۷۷-۸۹

روش تفسیری قرشی در احسن الحديث

مجتبی محمدی انویق*

مرتضی قاسمی حامد**

چکیده: تفسیر احسن الحديث نوشته سید علی اکبر قرشی، یکی از تفاسیر معاصر است که به شیوه جامع در ۱۲ جلد نوشته شده است. از مهم‌ترین ویژگی‌های این تفسیر، ساده و قابل فهم بودن آن برای عموم، پرهیز از نقل اقوال مختلف، پرهیز از اجمال‌گویی و اشارات و تلمیحات تخصصی و ادبی، و توجه به تناسب و ارتباط آیات باهم است. ایشان در سه مرحله به تفسیر قرآن می‌پردازد: بیان کلیاتی درباره سوره، تفسیر متن آیات، و بیان نکته‌ها. ایشان در تفسیر از روش‌های مختلفی بهره برده است: قرآن به قرآن، قرآن به روایات، و اجتهادی و عقلی. همچنین گرایش‌های مختلفی از خود بروز داده است: ادبی و بلاغی، تربیتی و اجتماعی، کلامی، فقهی، و علمی. در این نوشتار به بررسی این روش‌ها و گرایش‌های تفسیری پرداخته شده است. از بررسی آنها، این نتیجه حاصل می‌شود که این تفسیر در زمره تفاسیر به سبک واعظانه قرار می‌گیرد که با هدف تربیتی و اجتماعی به نگارش درآمده است. از این رو از روش‌ها و گرایش‌های مختلفی برای تحقق این هدف بهره برده است. البته می‌توان آن را از نوع تفاسیر جامع نیز برشمرد؛ زیرا از روش‌ها و گرایش‌های تفسیری بسیاری استفاده می‌کند.

کلیدواژه‌ها: سید علی اکبر قرشی؛ احسن‌الحديث؛ روش‌های تفسیری؛ گرایش‌های تفسیری.

*. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه ایلام (نویسنده مسئول) mo.mohammadi@ilam.ac.ir

**. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه مذاهب اسلامی m.ghasemihamed@mazaheb.ac.ir

طرح مسئله

شناسایی روشها و گرایشهایی که مفسران به خصوص معاصران در تفسیر قرآن به کار برده‌اند، می‌تواند الگویی پیش روی مخاطبان و مفسران دیگر قرار دهد، تا با بررسی ویژگیها، مزایا و عیوب کارهای آنها، ضمن پی بردن به نقاط قوت و ضعف در تفسیر قرآن، با اهدافی بهتر و حساب شده‌تر گام در تفسیر قرآن نهند. از جمله تفاسیر معاصر احسن‌الحديث است. نگاه اجمالی به این تفسیر، گویای این مطلب است که مؤلف از روشها و گرایشهای مختلفی در تفسیر قرآن بهره برده است. حال سؤالهایی که پیش می‌آید، این است که شیوه نگارش این تفسیر چگونه است؟ آیا این تفسیر تفسیری جامع است؟ مفسر از چه روشهایی در تفسیر آیات بهره برده است؟ مفسر در تفسیر آیات چه گرایشهایی دارد؟ آیا می‌توان این تفسیر را در زمره تفاسیر به سبک واعظانه برشمرد؟ این نوشتار در صدد پاسخگویی به سؤالهای فوق است.

۱. قرشی و احسن‌الحديث

سید علی اکبر قرشی در سال ۱۳۰۷ در شهر بناب زاده شد. پس از دروس ابتدایی به حوزه علمیه بناب، در سال ۱۳۲۴ عازم قم شد و نزد آیات بروجردی، کوه کمری و سلطانی طباطبایی درس آموخت. از سال ۱۳۳۴ در ارومیه ساکن شد و تاکنون به خدمات دینی و علمی اشتغال داشته است. ایشان بیش از نیم قرن است که در حوزه علمیه ارومیه به تدریس دروس فقه، اصول، منطق و ادبیات مشغول است. آثار مختلفی را نگاشته است، از جمله: قاموس قرآن؛ احسن‌الحديث؛ مفردات نهج البلاغه؛ آیین نهج البلاغه؛ المعجم المفهرس لالفاظ الصحيفة الكاملة؛ ما للشيعة في مسند احمد. وی در تفسیر احسن‌الحديث به تفسیر کل قرآن پرداخته است. تألیف آن را در تاریخ هشتم ذی‌القعدة ۱۳۹۶ ق (۱۳۵۵ ش) آغاز کرده است و پس از صرف حدود

ده سال، آن را در سال ۱۳۶۴ش به پایان می‌رساند. این تفسیر در ۱۲ جلد به چاپ رسیده است. در ابتدای تفسیر، به عنوان مقدمه‌ای برای تفسیر خود، به سیری در قرآن مجید می‌پردازد که ۱۳ بخش دارد و در بخش ۱۳ شیوه نگارش تفسیر خود را بیان می‌دارد بدین سان که در تفسیر قرآن، آیاتی را که به نظرش مرتبط هستند، در کنار هم آورده و ترجمه می‌کند و بعد مطالب تفسیری را در سه بخش کلمه‌ها، شرحها و نکته‌ها تنظیم کرده است. ایشان در چند مصاحبه در مورد این تفسیر و ویژگی‌هایش مطالبی بیان کرده است.

۲. روش کار قرشی در تفسیر قرآن

قرشی در احسن‌الحديث در سه مرحله به تفسیر قرآن می‌پردازد:

۱-۲. بیان کلیاتی درباره سوره

در ابتدای هر سوره به بیان کلیاتی درباره سوره می‌پردازد که هشت محور پیرامون هر سوره مورد بررسی قرار می‌گیرد: ترتیب نزول، زمان نزول، شأن نزول، تعداد آیات سوره، مکان نزول، علت نام‌گذاری سوره، فضیلت قرائت سوره، محتوای کلی سوره.

۲-۲. تفسیر متن آیات

در این قسمت سوره را به چند بخش تقسیم می‌کند (برای مثال سوره بقره را به ۵۸ بخش تقسیم کرده است) و در هر بخش پس از ذکر متن عربی آیات، آنها را در سه مرحله تفسیر می‌کند:

۱-۲-۲. ترجمه آیات: که گاه ترجمه‌های موجود را نقد می‌کند. مانند نقد ترجمه رحمان و رحیم به بخشنده مهربان (همان، ج ۱: ۲۹، پاورقی). بدین روی پس از بحث و بررسی می‌نویسد: بنابراین بهترین ترجمه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» این است: «به نام الله که رحمتش همگانی و همیشگی است» (همان، ج ۱: ۳۲).

نیز معنای کلمه خدا را تنها بخشی از معنای کلمه «الله» می‌داند. (همان، ج: ۱: ۳۰)

۲-۲-۲. شرح لغات موجود در آیات: در این بخش تنها به شرح برخی از لغات موجود در آیات بر اساس کتابهای مشهور لغت می‌پردازد که نیازمند توضیح هستند. برای توضیح واژگان از این گونه مباحث بهره می‌گیرد: صرف و نحو، ریشه‌شناسی، فروق اللغة، قرائات مختلف کلمه (در صورت وجود) و معنای کلمه.

برای نمونه تفاوت معنای حمد با مدح (قرشی، ۱۳۸۴، ج: ۲: ۱۷۲).

۲-۲-۳. شرح آیات: پس از کلیاتی مختصر در باره بخش مورد نظر از سوره آیات را جدا جدا بررسی و تفسیر می‌کند با بحثهایی مانند: تاریخ قرآن، صرف و نحو، و بحثهای فقهی، کلامی، روایی، عقلی و ... مانند بحث مفصل و جامع ذیل آیه بسم الله الرحمن الرحیم، از ناحیه فقهی و حدیثی. (قرشی، ۱۳۷۴ (الف)، ج: ۱: ۳۲ و ۳۳).

۲-۳. بیان نکته‌ها

در این بخش مؤلف برداشتهایی را که می‌توان از آیات کرد، با در نظر گرفتن نیازهای عصر حاضر، ارائه می‌کند؛ نکاتی که اگر در بخش شرحها می‌آورد باعث طولانی شدن مطلب می‌شد (قرشی، ۱۳۷۴ (ب): ۱۰۲). این بخش فقط آیاتی را شامل می‌شود که قابلیت چنین برداشتی را داشته باشند و بتوان از آنها نکاتی را استخراج کرد. مطالب در این بخش از تفسیر به صورت موضوعی بیان می‌شود. برای نمونه ذیل آیات ۱۳۰ الی ۱۳۴ سوره بقره، عالم برزخ مطرح شده است.

۳. روشها و گرایشهای تفسیری احسن الحديث

شیوه مفسر در فهم آیات، عمدتاً تفسیر قرآن به قرآن، تفسیر قرآن با بیان معصومان یعنی روایات اهل بیت عصمت و جلاله، لغت، دلالت عقل و استناد به گفتار مفسران مشهور است (ایازی، ۱۳۷۸: ۲۴). در این بخش روشها و گرایشهای ایشان در تفسیر قرآن مورد بررسی قرار خواهد گرفت:

۳-۱. روشهای تفسیری

۳-۱-۱. قرآن به قرآن

در این روش، مفسر با استفاده از خود قرآن، به تفسیر آیات قرآن می‌پردازد. استفاده قرشی از این روش در بخشهای مختلف تفسیری متفاوت است: در حدّ کشف معنای کلمه، عبارت، آیه و... اینک به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود:

مثال ۱: در تفسیر آیه آخر سوره حمد، مراد از افراد مورد نعمت را بر اساس آیه ۶۹ سوره نساء تعیین می‌کند. سپس می‌نویسد: «بنابراین، منظور از «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» هدایت ابتدایی نیست تا تحصیل حاصل شود، بلکه درجه اعلای آن است که هنوز به آن نرسیده‌ایم» (قرشی، ۱۳۷۴ (الف)، ج ۱: ۳۵).

مثال ۲: در باره آیه «فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا» (انبیاء / ۹۱) این روح را یک پدیده خدایی و از عالم امر می‌داند که از جانب خدا به وجود مریم دمیده شد و عیسی به وجود آمد» (همان، ج ۱: ۲۴۴ و ۲۴۵).

۳-۱-۲. قرآن به روایات

در تفسیر روایی، مفسر، آیات قرآن را به وسیله احادیث و روایات معصومان علیهم‌السلام تفسیر می‌کند (ر.ک: علوی مهر، ۱۳۸۱: ۸۷ و ۸۸). که آن را اصیل‌ترین شیوه تفسیری و ریشه-دارترین راه دریافت معانی آیات قرآن در میان دانشمندان اولیه دانسته‌اند (عمیدزنجانی، ۱۳۷۳: ۱۹۱). قرشی اهتمام خاصی به روایات شیعه و سنی در تفسیر آیات قرآن دارد. وی در برخی موارد، روایات را، گاه از منابع اصلی آن نقل می‌کند، گاه از تفاسیر روایی و گاه از روایاتی که دیگر تفاسیر آورده‌اند. در نقل روایات هم گاه آنها را به صورت کامل می‌آورد، گاه تنها به قسمت مورد نظر خود از احادیث بسنده می‌کند و برخی اوقات هم فقط به مضمون حدیث اشاره می‌نماید. قرشی در جایی اشاره می‌کند که در رابطه با ارزیابی روایات تحقیقی انجام نداده است. بنابراین معتقد

است که باید این کار انجام شود؛ چون آیاتی وجود دارد که ما از فهم آنها عاجزیم، بنابراین روایات در این زمینه می‌توانند راهگشا باشند (ر.ک: قرشی، ۱۳۷۴ (ب): ۱۰۷ و ۱۰۸).

در ذیل نمونه‌هایی از استفاده مفسر از این روش تفسیری بیان می‌شود:

مثال ۱: در تفسیر آیه «حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْسَرَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا...» (یوسف/۱۱۰) کلام امام رضا علیه السلام را آورده که می‌فرماید: «پیامبران از ایمان قوم خود مأیوس شدند و قومشان گمان کردند که پیامبران به آنها دروغ گفته‌اند...» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱: ۲۸۲). بنابراین به وسیله این روایت این شبهه را که چگونه ممکن است پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در وعده خدا شک کند، از بین می‌برد (قرشی، ۱۳۷۴ (ب): ۱۰۷ و ۱۰۸).

مثال ۲: گاه به نقد روایت می‌پردازد، مانند روایاتی ذیل سوره حمد که رحیم را مخصوص به مؤمنان می‌داند. (احزاب/۲۴) (قرشی، ۱۳۷۴ (الف)، ج ۱: ۳۳)

۳-۱-۳. عقلی و اجتهادی

در معنای تفسیر عقلی و کاربرد عقل در تفسیر قرآن بین دانشمندان اختلاف نظرهایی وجود دارد. (ر.ک: رضایی اصفهانی، ۱۳۸۲: ۱۷۳-۱۹۱) منظور ما از تفسیر عقلی، در اینجا تفسیر آیات قرآن کریم با استفاده از دستاوردها و یافته‌های اجتهادی است. قرشی در موارد بسیاری از این روش تفسیری استفاده کرده است. او در این مورد توضیح می‌دهد که چگونه از براهین فلسفی برای تفسیر بهره می‌برد. (قرشی، ۱۳۷۴ (الف)، ج ۱: ۵۰۱ و ۵۰۲) در ذیل به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

مثال ۱: در تفسیر آیه «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا وَ مَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَمِيدِ» (فصلت/۴۶) بحث عقلی در باب نفی ظلم از خدا ارائه می‌کند. (قرشی، ۱۳۷۴ (الف)، ج ۹: ۴۴۲)

مثال ۲: در تفسیر آیه ۷ سوره مجادله از احاطه گسترده علمی خدا بر آفریدگان سخن می‌گوید. (همان، ج ۱: ۶۱)

۳-۲. گرایشهای تفسیری

۳-۲-۱. ادبی و بلاغی

تفاسیر ادبی گونه‌ای از تفاسیر هستند که در آنها مفسر با استفاده از علوم ادبی نظیر علم لغت، صرف و نحو، بلاغت و ... به تفسیر آیات قرآن کریم می‌پردازد (معرفت، ۱۴۱۸، ج ۲: ۴۸۰؛ مؤدب، ۱۳۸۰: ۲۱۵). قرشی در تفسیر خود علاوه بر بهره‌گیری از قواعد عربی، گاه برای تفهیم بیشتر مطلب، لطیف و ظریف ادبی را به زبان ساده می‌آورد. ایشان در تفسیر آیات گاهی به صنایع ادبی همچون اختلاف قرائات، التفات، حصر و اختصاص، و حسن مطلب اشاره می‌کند و گاهی از ادبیات تمثیل بهره می‌برد.

مثال ۱: بیان صنعت التفات: التفات در اصطلاح بدیع منتقل ساختن کلام از روشی به روش دیگر و از اسلوبی به اسلوب دیگر را گویند؛ یعنی منتقل شدن کلام از متکلم یا خطاب یا غیبت به یکی دیگر از اینها که باعث ایجاد شور و حال در شنونده و انگیزه استماع در او می‌گردد (ابن‌ابی‌الاصبع، ۱۳۶۸: ۱۴۴؛ طاهرخوانی، ۱۳۸۳: ۷۰). قرشی در تفسیر قرآن در برخی موارد صراحتاً به اصطلاح «التفات» اشاره کرده است (قرشی، ۱۳۷۴ (الف)، ج ۴: ۳۶۸). در برخی موارد به صورت غیرمستقیم این نکته را بیان می‌دارد (همان، ج ۱: ۳۱).

مثال ۲: بیان صنعت حصر و اختصاص: حصر یعنی اختصاص دادن امری به امر دیگر با شیوه و طریقی مخصوص؛ یا اثبات حکمی برای موضوع مذکور در جمله و نفی آن از موضوعات دیگر. (سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲: ۶۴؛ هاشمی، ۱۴۲۵: ۱۱۷ و ۱۱۸؛ جارم و امین، ۱۴۲۰: ۲۱۷ و ۲۱۸). برای نمونه استفاده از «الف و لام» «الصمد» برای حصر و نتایج اعتقادی که از آن گرفته می‌شود. (قرشی، ۱۳۷۴ (الف)، ج ۱۲: ۴۰۴)

گاهی برای تفسیر آیات از ادبیات تمثیل استفاده می‌کند تا به این شکل مطالب

در ذهن مخاطب جای گیرد. مانند استفاده از تمثیل یک سیستم کارخانه برای تفهیم آیه «مَا تَرَىٰ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِن تَفَافُوتٍ» (ملک / ۳) (همان، ج ۱۱: ۲۵۴).

۳-۲-۲. تربیتی و اجتماعی

مفسر در این روش، جنبه‌های اخلاقی، تربیتی و هدایتی آیات قرآن کریم را در نظر گرفته و با این دید قرآن را تفسیر می‌کند (مؤدب، ۱۳۸۰: ۲۷۱). قرشی قرآن را وسیله‌ای الهی برای تربیت انسان می‌داند. (قرشی، ۱۳۷۴ (الف)، ج ۱: ۵۴۶ و ۵۴۷). ایشان نسبت به این شیوه تفسیر، گرایش بسیار نشان داده است، به گونه‌ای که گویا استفاده از سایر روشها و گرایشهای تفسیری برای تحقق این هدف است.

مثال ۱: ذیل آیه ۱۲ سوره حجرات در قسمت نکته‌ها، بعد از بیان احادیثی درباره تجسس، دو حکایت در این باره نقل می‌کند. (قرشی، ۱۳۷۴ (الف)، ج ۱۰: ۲۸۴ و ۲۸۵).
مثال ۲: در تفسیر آیه ۳۴ سوره نساء در باره سرپرستی مرد بر خانواده نکات تربیتی می‌آورد. (همان، ج ۲: ۳۵۴-۳۵۶).

۳-۲-۳. کلامی

در تفسیر کلامی مفسر با سبک و گرایشی کلامی به تفسیر آیات قرآن کریم می‌پردازد. بدین صورت که هدف مفسر در تفسیر آیات، دفاع از عقاید خویش و پاسخگویی به شبهات مخالفان است (مؤدب، ۱۳۸۰: ۲۴۵ و ۲۴۶). بنابراین مباحث کلامی را به مناسبتهای مختلف در اثبات عقاید خویش و در رد دیدگاه مخالفان مطرح می‌سازد (ایازی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۵۷). قرشی در احسن‌الحديث به مناسبتهایی از این روش در تفسیر آیات قرآن کریم بهره گرفته و از عقاید شیعه امامیه در مقابل مخالفان این گروه دفاع می‌نماید که در ذیل به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود:
مثال ۱: در بیان نکته‌های سوره اخلاص، از چهار درجه توحید سخن می‌گوید. (قرشی، ۱۳۷۴ (الف)، ج ۱۲: ۴۰۵).

مثال ۲: ذیل آیه ولایت (مانده/۵۵) برای اثبات عقیده شیعه مبنی بر امامت امام علی علیه السلام بحث مفصلی مطرح کرده است. (قرشی، ۱۳۷۴ (الف)، ج ۳: ۹۲ و ۹۳).

۳-۲-۴. فقهی

مفسر در این نوع از تفاسیر، متعرض آیاتی از قرآن کریم می‌شود که احکام تکلیفی و وضعی مرتبط با اعمال مکلفان را در بر دارد. (معرفت، ۱۴۱۸، ج ۲: ۳۵۴) قرشی علاوه بر تفسیر آیاتی که به طور صریح به احکام شرعی اشاره دارند، به صورت ماهرانه و به طرز ظریفی به بیان نکته‌های فقهی از دل آیاتی می‌پردازد که موضوعشان لااقل در درجه اول بیان احکام شرعی نیست. ایشان در تفسیر مباحث فقهی از بسط دادن آیات مرتبط با احکام پرهیز می‌نماید (ایازی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۸۲)، بلکه در حد ضرورت به آنها می‌پردازد و به بیان نکات فقهی بسنده می‌کند. در ذیل نمونه‌هایی بیان می‌شود:

مثال ۱: در سوره حمد جزئیت بسم الله برای قرائت سوره را بررسی می‌کند. (قرشی، ۱۳۷۴ (الف)، ج ۱: ۳۱)

مثال ۲: بعد از آیه اول سوره تحریم در باره احکام قسم سخن می‌گوید که سبب تحریم حکمی بر انسان شود. (قرشی، ۱۳۷۴ (الف)، ج ۱: ۲۳۰)

۳-۲-۵. علمی

در تفسیر علمی مفسر با استفاده از علوم تجربی به تفسیر و توضیح آیات قرآن می‌پردازد (رضایی اصفهانی، ۱۳۷۵: ۲۷۴). ایشان علاقه خود را نسبت به این گرایش تفسیری در یکی از مصاحبه‌های خود بیان می‌کند. (نوری، ۱۳۸۸: ۱۳۷ و ۱۳۸) روش تفسیر علمی مخصوصاً در قرون اخیر، چالش‌هایی به همراه داشته و در بین دانشمندان و مفسران مختلف، موافقان و مخالفانی به خود دیده است. (رضایی اصفهانی، ۱۳۷۵) برای این کار، مفسر باید شرایط لازم برای این کار را داشته و ضوابط تفسیر معتبر علمی را رعایت

کرده باشد (ر.ک: همان، ۳۸۰) تا منجر به پیامدهای منفی نشود. باید گفت که قرشی در برخی موارد با قطعیت به تفسیر قرآن به وسیله علوم تجربی از طریق منابع گوناگون پرداخته است. اما این مسئله با توجه به حسّی بودن و استقرار ناقص در علوم تجربی و قطعی نبودن آنها (همان، ۳۸۱) جای بسی تأمل دارد و نمی‌تواند به راحتی مورد قبول قرار گیرد. در ذیل به نمونه‌هایی از تفسیر علمی آیات در این تفسیر اشاره می‌شود: مثال ۱: ذیل آیات ۱۴-۱۶ سوره نبأ از تبخیر آب دریا و بارش باران سخن می‌گوید. (قرشی، ۱۳۷۴ (الف)، ج ۱۲: ۳۶)

مثال ۲: ذیل آیه ۲۴ سوره رحمن این آیه را با نهرهای دریایی تطبیق می‌کند. (همان، ج ۱۰: ۴۸۰)

۴. منابع احسن الحديث

قرشی در میان منابعی که در نوشتن تفسیر از آنها بهره برده، از مجمع‌البیان در گروه متقدمان و المیزان در گروه متأخران بیشتر بهره برده است. (قرشی، ۱۳۷۴ (ب): ۱۰۲ و ۱۰۳) در میان تفاسیر اهل سنت نیز کشاف، المنار، بیضاوی، نیشابوری و ... (ر.ک: همان، ۱۰۳). و در زمینه روایات تفسیری بیشترین استفاده‌اش از تفسیر عیاشی بوده ولی از تفاسیر برهان و صافی و بحث‌روایی تفسیر المیزان نیز استفاده می‌کند. (ر.ک: همان، ۱۰۷)

اما غیر از آنچه ذکر شد، با یک نگرشی کلی در احسن‌الحديث، می‌توان منابع مورد استفاده او را به شرح زیر استخراج کرد:

۱. مجمع‌البیان طبرسی ۲. جوامع‌الجامع طبرسی ۳. المیزان طباطبایی ۴. تفسیر عیاشی ۵. البرهان بحرانی ۶. الصافی فیض کاشانی ۷. الکشاف زمخشری ۸. تفسیر بیضاوی ۹. تفسیر ابن‌کثیر ۱۰. المنار رشیدرضا ۱۱. الدر المنثور سیوطی ۱۲. تفسیر نسفی ۱۳. نهج‌البلاغه ۱۴. صحیح بخاری ۱۵. صحیح مسلم ۱۶. سنن ترمذی ۱۷.

سنن نسائی ۱۸. سنن ابن ماجه ۱۹. سنن ابی داود ۲۰. الکافی کلینی ۲۱. من لایحضره الفقیه صدوق ۲۲. تهذیب طوسی ۲۳. الاستبصار طوسی ۲۴. سیره ابن هشام ۲۵. سیره حلبی ۲۶. بحار الانوار مجلسی ۲۷. وسائل الشیعه حرعاملی ۲۸. روش رئالسم طباطبایی ۲۹. مفردات راغب ۳۰. قاموس فیروزآبادی ۳۱. قاموس قرآن قرشی ۳۲. اقرب الموارد ۳۳. الکامل ابن اثیر ۳۴. آلاء الرحمن ۳۵. سفینه البحار ۳۶. تفسیر نیشابوری ۳۷. تفسیر خازن ۳۸. البیان خویی ۳۹. الغدیر امینی ۴۰. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید. ۴۱. دانستنی های جهان علم.

نتیجه گیری

۱. مهم ترین ویژگی های احسن الحدیث عبارتند از: ساده و قابل فهم بودن آن برای عموم مردم؛ پرهیز از نقل اقوال مختلف؛ پرهیز از اجمال گویی و اشارات و تلمیحات تخصصی و ادبی؛ توجه به تناسب و ارتباط آیات باهم.

۲. در احسن الحدیث در سه مرحله به تفسیر قرآن پرداخته می شود: بیان کلیاتی درباره سوره: در این بخش، ترتیب نزول، زمان نزول، شأن نزول، تعداد آیات سوره، مکان نزول، علت نام گذاری سوره، فضیلت قرائت سوره و محتوای کلی سوره را مورد بررسی قرار می دهد؛ تفسیر متن آیات: در این بخش، به ترجمه آیات، شرح لغات موجود در آیات، و شرح آیات می پردازد؛ بیان نکته ها: در این بخش نکته هایی را که می توان از آیات با توجه به نیازهای عصر حاضر برداشت کرد، بیان می کند. از این رو شامل همه آیات نمی شود.

۳. این تفسیر، از جمله تفاسیر جامع می باشد؛ زیرا از روش های مختلفی برای تفسیر قرآن بهره برده است و در تفسیر قرآن گرایش های مختلفی دارد. مفسر در نگارش این تفسیر از منابع مختلفی بهره برده ولی بیشترین استفاده او از میزان و مجمع البیان بوده است که خود نیز به آن اشاره می کند. از جمله نقاط ضعف این کتاب،

بسنده کردن به منابع واسطه در برخی موارد می‌باشد. چه بسا اگر به منابع اصلی مراجعه می‌کرد، ممکن بود به نکته‌ای نو دست یابد که مؤلفان گذشته به آن توجهی نداشته‌اند. همچنین در برخی موارد مطالبی را بدون ذکر منبع می‌آورد.

۴. روشهای تفسیری او عبارتند از: قرآن به قرآن، قرآن به روایات، و اجتهادی و عقلی. گرایشهای تفسیری او عبارتند از: ادبی و بلاغی، تربیتی و اجتماعی، کلامی، فقهی، و علمی.

۵. این تفسیر را می‌توان در زمره تفاسیر به سبک واعظانه برشمرد؛ زیرا با هدف تربیتی و اجتماعی به نگارش درآمده است و این موضع مؤلف در سراسر آیات قابل مشاهده است. از این رو استفاده او از روشها و گرایشهای مختلف در تفسیر قرآن، برای تحقق این هدف بوده است؛ زیرا به فراخور آیات مورد بحث در جهت تفهیم بهتر آیات و رسیدن به هدف تربیتی، حتی به بیان حکایتهایی مرتبط با برخی آیات می‌پردازد و در ذکر منابع و روایات با تساهل عمل کرده است.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن ابی‌الاصبع. (۱۳۶۸ش). *بدیع القرآن*. ترجمه علی میرلوحی. مشهد: آستان قدس رضوی.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۸ق). *عیون اخبار الرضا*. تحقیق و تصحیح: مهدی لاجوردی. تهران: جهان.
۳. اسعدی، علی. (۱۳۸۴ش). «یک تفسیر یک حکایت: /حسن‌الحديث». *مجله نسیم وحی*. شماره ۱۸. مرداد.
۴. ایازی، محمدعلی. (۱۳۸۶ش). *المفسرون حیاتهم و منهجهم*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۵. _____ . (۱۳۷۸ش). *شناخت‌نامه تفاسیر*. رشت: کتاب مبین.
۶. خازن، علی بن محمد. (۱۴۱۵ق). *لباب التأویل فی معانی التنزیل*. تحقیق: محمدعلی شاهین. بیروت: دارالکتب العلمیة.

۷. جارم، علی؛ و امین، مصطفی. (۱۴۲۰ق). *البلاغه الواضحه*. قم: مؤسسة الصادق، قم.
۸. خویی، سید ابوالقاسم. (۱۳۸۵ق). *البیان*. نجف: مطبعة الآداب.
۹. ذهبی، محمدحسین. (بی تا). *التفسیر و المفسرون*. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۱۰. رضایی اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۷۵ش). *درآمدی بر تفسیر علمی قرآن*. قم: اسوه.
۱۱. _____ (۱۳۸۲ش). *درسنامه روشها و گرایشهای تفسیری قرآن*. قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
۱۲. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. (۱۴۲۱ق). *الاتقان فی علوم القرآن*. تحقیق: فواز احمد زمردی. بیروت: دارالکتب العربی.
۱۳. طاهرخوانی، جواد. (۱۳۸۳ش). *بلاغت و فواصل قرآن*. تهران: جهاد دانشگاهی.
۱۴. طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۵. علوی مهر، حسین. (۱۳۸۱ش). *روشها و گرایشهای تفسیری*. قم: اسوه.
۱۶. عمیدزنجانی، عباسعلی. (۱۳۷۳ش). *مبانی و روشهای تفسیر قرآن*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۷. فیض کاشانی، محمدمحسن بن شاه مرتضی. (۱۴۱۵ق). *الصابی*. تهران: صدر.
۱۸. قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۷۴ش) (الف). *احسن الحدیث*. تهران: بنیاد بعثت.
۱۹. _____ (۱۳۷۴ش) (ب). «مصاحبه با استاد سید علی اکبر قرشی». *فصلنامه بینات*. شماره ۵، بهار.
۲۰. _____ (۱۳۸۸ش). *خاطرات آیت الله سید علی اکبر قرشی*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۱. _____ (۱۳۸۴ش). *قاموس قرآن*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۲. _____ (۱۳۶۸ش). «مصاحبه با استاد سید علی اکبر قرشی». *مجله حوزه*. شماره ۳۵، آذر و دی.
۲۳. مؤدب، رضا. (۱۳۸۰ش). *روشهای تفسیر قرآن*. قم: اشراق.
۲۴. معرفت، محمدهادی. (۱۴۱۸ق). *التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب*. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۲۵. نجارپوریان، رضا. (۱۳۹۱ش). «گفتگو با آیت الله سید علی اکبر قرشی». *فصلنامه رشد آموزش قرآن*. شماره ۳۹، زمستان.
۲۶. نوری، عباس. (۱۳۸۸ش). «مصاحبه علمی مکتوب با آیت الله سید علی اکبر قرشی». *مجله سقینه*. سال هفتم، شماره ۲۵، زمستان.
۲۷. هاشمی، احمد بن ابراهیم. (۱۴۲۵ق). *جواهر البلاغه*. قم: نوید اسلام.